

اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب:

از قرارداد پارساروویتز

تا

قرارداد غزه- اریحا

دکتر فرهنگ رجایی

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه • تابستان ۱۳۸۱

فهرست مطالب

الف-ب	مقدمه
ج-ی	پیشگفتار

بخش اول

بیداری اعراب و جهان جدید

۱	فصل اول: بستر اجتماعی
۳	قسمت اول - دولت عثمانی در تحول جهانی
۹	قسمت دوم - تحولات درونی امپراطوری
۱۹	فصل دوم: نحله های فکری بعد از بیداری
۲۰	قسمت اول - غرب گرایی
۳۳	قسمت دوم - عرب گرایی
۳۴	الف. نطفه غرب گرایی
۴۰	ب. عرب گرایی لیبرال
۴۵	پ. عرب گرایی تندرو
۴۵	۱. عرب گرایی ناصر
۴۸	۲. عرب گرایی بعث
۵۰	۳. جنبش ملی گرایی عرب
۵۴	قسمت سوم - اسلام گرایی
۵۶	الف. دوره آگاه شدن به چالش جدید
۶۱	ب. اندیشمندان مدافع و بدیل ساز

بخش دوم

دولت سازی و تجدد؛ از کرامه تا اریحا

۶۷	فصل سوم: بستر اجتماعی
۶۹	قسمت اول - تکانه جنگ ۱۹۶۷ و تحولات منطقه
۸۶	قسمت دوم - تحولات داخلی در دولتهای عربی
۸۶	الف. تحولات سیاسی

- ۹۰ ب. تحولات اجتماعی
- ۹۰ ۱. جمعیت منطقه
- ۹۳ ۲. ساختار اجتماعی
- ۹۵ ۳. روابط اجتماعی
- ۹۸ ۴. سطح سواد و امکانات آموزشی
- ۱۰۰ پ. تحولات اقتصادی
- ۱۰۵ فصل چهارم: نحله های فکری جدید
- ۱۰۸ قسمت اول - دولت سازی و تمدن گرایی
- ۱۱۱ الف. هویت
- ۱۱۹ ب. آمریت و جهان داری
- ۱۲۶ ۱. جامعه مدنی
- ۱۲۹ ۲. کثرت گرایی و حقوق بشر
- ۱۳۲ ۳. زنان و حقوق و آزادی آنها
- ۱۳۶ قسمت دوم - اسلام گرایی
- ۱۳۸ الف. مسلمانان مبارز
- ۱۴۲ ۱. جاهلیت
- ۱۴۴ ۲. عبودیت
- ۱۴۵ ۳. حاکمیت
- ۱۵۰ ب. مسلمانان اصلاح گرا
- ۱۵۷ قسمت سوم - عرب گرایی جدید
- ۱۵۹ الف. عرب گرایی صدام حسین
- ۱۶۳ ب. همگرایی در جهان عرب
- ۱۶۴ پ. فلسطین گرایی
- ۱۶۷ فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۷۱ یادداشت ها و منابع

مقدمه

بحران اعراب و اسرائیل بدون تردید یکی از اثرگذارترین موضوعات بین‌المللی از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون بوده است. ابعاد وسیع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این بحران، توجه تحقیقاتی طیف وسیعی از متخصصین علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، حقوق، روان‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی را به خود معطوف داشته است. در این میان، اینکه اعراب به عنوان یک طرف بحران و یک مجموعه عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چگونه نسبت به این موضوع می‌اندیشند و چگونه با آن تعامل و تقابل داشته‌اند، از زوایای مهم بحران اعراب و اسرائیل است. شاید به وضوح بتوان این استنتاج سیاسی را از تحولات نیم قرن اخیر ارایه داد که موضوع اسرائیل، تاریخ عرب را در نیم قرن اخیر به شدت تحت تأثیر قرار داده است و مهمترین زمینه شکل‌گیری افکار و عکس‌العملها در حوزه اندیشه سیاسی عرب بوده است و بدین طریق دو امر

وسیعتری را در منطقه خاورمیانه که شامل ایران، ترکیه و شمال آفریقا می شود متأثر کرده است. فؤاد عجمی، نویسنده لبنانی الاصل دانشگاه جانزهاپکینز آمریکا، در کتابی تحت عنوان «کاخ رویایی اعراب» ریشه های شناختی و فکری بحران اعراب و اسرائیل را مورد بررسی قرار داد. به نظر می آید کتاب عجمی، پیچیده ترین تجزیه و تحلیل روان شناسانه و جامعه شناسانه تاریخی از حوزه فکری و اندیشه سیاسی اعراب توسط خود اعراب باشد.

بحران اعراب و اسرائیل همچنان با ما خواهد بود و سیاست منطقه ای و بین المللی را به شدت تحت الشعاع قرار خواهد داد. فهم ریشه های انتزاعی این موضوع برای اندیشمندان علم روابط بین الملل و دست اندرکاران سیاست عملی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به نظر می رسد که کشور ما به دلایل جغرافیایی، عقیدتی و حتی امنیت ملی همچنان در معرض فعل و انفعالات این بحران قرار خواهد داشت. بنابراین، شناخت نظری و خطی تاریخی از این بحران برای سیاستمدارانی که به طور طبیعی به کوتاه مدت توجه دارند، از اهمیت حیاتی تری بهره مند است. کتاب اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب که تاریخ را با دقت مفهومی و نظری قوام بخشیده است، اثری ارزنده برای فهم تاریخی تحولات کنونی است. از جناب آقای دکتر فرهنگ رجایی که با دقت همیشگی و قلم دقیق خود این اثر را آماده کردند تشکر می کنیم و امیدواریم این کتاب مورد توجه اندیشمندان و دولتمردان واقع گردد.

محمود سریع القلم

پیشگفتار

اگر قرار باشد وضعیت کنونی اندیشه سیاسی و اجتماعی در جهان عرب در یک جمله خلاصه شود - که البته درباره عرصه عمومی در حیات بشری، کاری خطرناک و گاه ناممکن است - می توان خطر کرد و گفت در دو سه سده گذشته، عرصه عمل و عرصه فکر، بسیار از هم جدا افتاده اند. تمام کوششهایی که در غالب نحله های فکری شده است و در نوشتار حاضر مورد بحث قرار خواهد گرفت، در پی ارایه چارچوبی بوده است که این دو حوزه را به هم نزدیک کند، تا بلکه جهان عرب مجدداً در جرگه جوامع مولد قرار گیرد. دلایل تلاطمهای شدید و نوسانهای متعدد در هر دو حوزه فکر و عمل، دقیقاً به دلیل همین جدایی مفرط بوده است. پژوهش حاضر، یک هدف کلی را دنبال می کند: پژوهش در پی آن است که از این وضعیت، صورت برداری مفصلی ارایه کرده، در ضمن علل چنین وضعیتی را تبیین نماید. به نظر می رسد

نحله‌های فکری، حداقل دوبار دچار «تغییر و تحول الگوی فکری» شده باشند. از یک سو، پس از برخورد اولیه جهان اسلام و به تبع آن، جهان عرب با جهان جدید، الگوهای فکری کهن که برای قرون و اعصار، کارآمدی و تناسب محیطی داشت به سستی گروید و از آنجا که انسان متفکر به حوادث مستحده و چالشهای محیط پاسخ می‌گوید، کوششهای متعددی در جهت صورتبندی الگوهای فکری جدید صورت گرفت و طرحهایی نیز ارائه گردید. از سوی دیگر، پس از شکست همه‌جانبه در جنگ ۶روزه ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، معلوم شد که الگوهای شکل‌بندی شده جدید، کارآمدی ندارند و باید مجدداً مورد بازبینی قرار گیرند. مسلماً هر صورت‌برداری، درجه‌ای از تفسیر را نیز به همراه دارد، بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد معنای کلان این تحولات را نیز ارائه نماید.

در واقع، آنچه تا امروز نحله‌های فکری جاری در ذهن و زبان اهل قلم و حتی مردم و ملت‌های عرب خوانده شده است، صورت‌شکل گرفته و صیقل‌خورده‌ی پاسخهایی بود که جهان عرب به چالشهای دوران معاصر و تحولات مربوط به آن ارائه کرده است. نوشتار حاضر می‌کوشد که با همان پرسشهایی هدایت شود که تکان‌دهنده و شکل‌دهنده‌ی چارچوب این پاسخها بوده است. چه پرسشهایی وجدان جمعی اعراب را (به ذهن مشغول) و به تعمق واداشته است؟ در کوشش برای یافتن پاسخ به این پرسشها، ذهن پرسشگر عرب از کدام «مقام گردآوری» و یا «آبشخور ذهنی» الهام گرفته است؟ از آنجا که پاسخهای متعددی به چالشهای جهان عرب داده شده است، هریک از این

پاسخها براساس کدام آسیب‌شناسی از بحرانهای موجود ارایه شده است؟ چگونه شد که نحله‌های ارایه شده نتوانست در مقابل فشارهای همه‌جانبه پاسخی کارآمد بدهد و دچار چنان شکستی شد که پیامد آن هنوز ادامه دارد؟ تحولات از بیرونی، از جمله کشف نفت، که از یک طرف به ورود و حضور قدرتهای جهانی جدید در منطقه منجر گردید و از طرف دیگر، چهره اقتصادی و اجتماعی آن را تغییر داد، چه تأثیری بر جریانهای فکری داشته است؟ ایجاد یک واحد سیاسی غیربومی، در عین حال، مسلح به مفاهیم و ابزارهای مدرنیته توسط صهیونیست‌ها، چه تأثیری بر جهان اندیشه مردم منطقه گذارد؟ چالش قدرتهای غیرمنطقه‌ای جدید، برخلاف چالشهای گذشته؛ مثل، حمله مغول، صرفاً نظامی و سیاسی نبود و آن‌طور که فرانسویان در دوره جهان‌گیری ناپلئون اعلام کردند، با «رسالت تمدن‌سازی» به منطقه خاورمیانه آمدند، نه فقط عرصه مادی که جهان ذهنی مردمان منطقه را به مبارزه طلبید و عملاً هم ثابت کرد که رقیبی سرسخت و در عین حال جذاب در مقایسه با چارچوب بومی ارایه کرده است. عملکرد این رقیب تازه را چگونه می‌توان ارزیابی نمود؟ آیا باید این برخورد جدید را کناکنش فرهنگی نامید و یا به زبان رایج امروزه، «تهاجم فرهنگی» قلمداد کرد؟ اگر پاسخ اول صحیح است، چه جایگاهی در تحولات منطقه دارد و اگر پاسخ دوم، در آن صورت آیا نحله‌های فکری ارایه شده توان مقابله با آن را دارند؟ این پرسشها و بسیاری سؤالات دیگر در شکل‌گیری و ارایه نتایج پژوهش حاضر دخالت دارد. برخی مستقیماً ذهن نگارنده را به تکان آورده

است و برخی غیرمستقیم؛ اما مسلم این است که همه آنها در روند تحقیق و در راستای تألیف و ویراستاری دخیل بوده است.

در پاسخ‌یابی برای سؤالات ذکر شده، از تأکید بر متفکری خاص و یا نظریه‌ای ویژه - هر قدر هم خواندنی، جالب، علمی و متقن - خودداری شده است. در عوض، تأکید بر این است که جریانهای فکری غالب، که به‌طور همه‌جانبه تأثیرگذار و یا تعیین‌کننده هستند، شناسایی و ویژگیهای آنها تحلیل گردد. ممکن است سریعاً گفته شود که این روش، نوعی روایت‌سازی از یک جریان پیچیده است، به ویژه که در بخش دوم پژوهش حاضر نشان خواهیم داد که اولاً، دولت جدید در جهان عرب ریشه گرفته است و ثانیاً، جهان عرب یکپارچه نیست و از بیش از بیست کشور مستقل که عملاً به دنبال منافع خاص ملی خود می‌روند، تشکیل شده است. این تفرق سیاسی، چه بسا که بر عرصه‌های عمومی دیگر؛ از جمله، اقتصاد و اجتماع و اندیشه تأثیر بگذارد. بنابر این، شاید ادعا شود که دسته‌بندی جریانهای فکری، به صورتی که در نوشتار حاضر خواهد آمد، از منطق درونی تحولات فکری به دور است و پیچیدگی و ویژگیهای جهان ذهنی برخی از متفکران را، آن‌طور که هست، شامل نمی‌شود.^۱ در تبیین و توجیه روش استفاده شده در نوشتار حاضر باید گفت که جهان عرب، حتی اگر از واحدهای سیاسی متفاوتی تشکیل شده باشد، هنوز در یک حوزه فرهنگی مشترک زیست می‌کند. حوزه تمدنی اسلامی - عربی هنوز شکل دهنده و تعیین‌کننده وجدان و گاه عمل عرب امروزی است، بنابر این، اگر جریانهای غالب - که به زبان فلاسفه علم، «الگوی

فکری» (Paradigm)، یا «مقام گردآوری» (Context of Discovery) و یا به زبان ماکس وبر «نمونه آرمانی» (Ideal Type)، به جا می‌گذارد - شناسایی شود، بهتر می‌توان رفتارهای سیاسی و اجتماعی را پیش بینی نمود.

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش ارایه خواهد گردید. مروری بر تاریخ فکری جهان اسلام در دو سده گذشته، نشان می‌دهد که تحولات در سپهرهای متعدد زندگی مسلمانان، به شدت از انقلاب صنعتی (موج دوم) و بروز تمدن جدید تأثیر گرفته است و موجب گردیده که الگوهای فکری سنتی، همه در هم بیچد و نمونه‌های تازه‌ای ضرورت پیدا کند.

بخش اول به این دوره اختصاص دارد و در دو فصل ارایه خواهد شد. در فصل اول، بستر اجتماعی و سیاسی و تحولات آن تحلیل می‌گردد و در فصل دوم، نحله‌های فکری غالب ارایه خواهد گردید.^۲ بخش دوم به تغییر عمده‌ای که در جهان ذهنی اعراب از پس از شکست در جنگهای شش روزه ایجاد شد، خواهد پرداخت. به گمان من، این تغییرات در شکل‌گیری معاهده صلح بین اعراب و اسرائیل - که با طرح «غزه - اریحا» در سال ۱۹۹۳ آغاز شد - بی‌تأثیر نبوده است و حتی به سادگی می‌توان ادعا کرد که روند صلح، بی‌تأثیر از وضعیت فکری در میان اعراب نیست: روند صلح، بازتاب جریانهای فکری است.^۳ همان‌طور که نشان خواهیم داد، منافع معروف به ملی هرکشور مستقل بر منافع کلان جمعی «قوم عرب» و یا «امت اسلام» رجحان پیدا کرده است و پرسشهای جدیدی مطرح است که با پرسشهای مطرح شده در دهه‌های قدیمی تر متفاوت است. در این بخش نیز، ابتدا (فصل سوم)، بستر